

سبک شناسی

ترجمه کتاب الاسلوبیه

پی‌یر گیرو

ترجمه و شرح: جلال مرامی، نرجس توحیدی فر



انتشارات شعفی

سبک قاهر و گرانمایه

فرماتده شکست ناپذیر

هکتور - ازاکس

اسب

شمشیر

شهر - میدان

فاخه های عطر آگین و روغنی

درخت زانی

مواقع سرسبز

عسای جوانی

گوسفندها و صی

لغز جوانان مثل تیغ و ملیحوس

لغز جوانان مثل تیغ و ملیحوس

سبک مسالده

درختان شاهر

کشتزار

کابلین

تربطیوس - کولیس

کسلورز فزوعه دار

سبک مسالده

سبک شناسی

تألیف:

پی یو گپرو

ترجمه و شرح:

جلال مرامی

نرجس توحیدی فر

انتشارات شفیع

۱۴۰۲

سرشناسه	گیرو، پیر، - ۱۹۸۳م. Guiraud, Pierre
عنوان و نام پدیدآور	سبک‌شناسی / تألیف پی‌یر گیرو؛ ترجمه و شرح جلال مرامی، نرجس توحیدی‌فر.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات شفیعی، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۱۸۵ ص.: جدول؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	978-622-5926-14-1
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: La stylistique.
یادداشت	کتاب حاضر از متن عربی اثر با عنوان "الاسلوبیه" به فارسی برگردان شده است.
موضوع	زبان فرانسه -- سبک‌شناسی French language -- Style
شناسه افزوده	مرامی، جلال، مترجم
شناسه افزوده	توحیدی‌فر، نرجس، ۱۳۶۴ -، مترجم
رده بندی کنگره	۲۴۱۰PC
رده بندی دیویی	۴۴۰/۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۹۱۵۲۹۴۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا

سبک‌شناسی

تألیف: پی‌یر گیرو

ترجمه و شرح: جلال مرامی، نرجس توحیدی‌فر

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

حروفچینی: راه‌شهاب

چاپ و صحافی: نقشینه

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۱-۱۴-۵۹۲۶-۶۲۲-۹۷۸

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است.

انتشارات شفیعی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت، شماره ۶۵،

طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

فهرست

۳.....	فهرست
۷.....	مقدمه مترجمان
۱۱.....	مقدمه مترجم عربی
۱۵.....	پیشگفتار مترجم عربی
۲۱.....	بلاغت
۲۲.....	۱. هنر نوشتن
۲۳.....	۲. جنس‌های ادبی
۲۶.....	۳. سبک‌ها
۲۸.....	۴. تصاویر
۳۰.....	۵. جایگاه بلاغت و حدود آن
۳۵.....	سقوط بلاغت
۳۵.....	۱. مفهومی جدید برای زبان و سبک
۳۷.....	۲. سقوط بلاغت
۴۰.....	۳. زبان‌شناسی تاریخی و مفهوم سبک
۴۳.....	۴. ایده آلیسم و مفهوم سبک
۴۴.....	۵. مکتب سوسور و مفهوم سبک
۴۶.....	۶. دو سبک‌شناسی
۴۸.....	۷. بلاغت معاصر ۱۹۷۰
۵۱.....	سبک‌شناسی توصیفی یا سبک‌شناسی بیان

۵۱	۱. سبک شناسی بیان
۵۴	۲. سبک شناسی بالی
۵۷	۳. امتداد سبک شناسی بالی
۵۹	۴. آواشناسی بیان
۶۱	۵. صرف شناسی بیان
۶۲	۶. نحو بیان
۶۴	۷. معناشناسی بیان
۶۶	۸. سبک شناسی بیان: سخن پایانی
۶۷	۹. ۱۹۷۰
۶۹	سبک شناسی تکوینی یا سبک شناسی فردی
۶۹	۱. نقد سبک
۷۲	۲. سبک شناسی ذهنی: لئو اشپیتزر
۷۸	۳. درباره لئو اشپیتزر
۸۰	۴. نقد سبک شناسانه سوسوری
۸۴	۵. روانشناسی اجتماعی سبک‌ها
۸۹	سبک شناسی کارکردگرا
۸۹	۱. ارتباط
۹۲	۲. فرم‌ها و کارکرد
۹۷	۳. استعاره و کنایه
۹۹	۴. سبک و نوشتار
۱۰۵	سبک شناسی ساختارگرا
۱۰۵	۱. ساختار متجلی در پیام
۱۰۷	۲. کارکرد شعری و ساختار پیام از نظر یاکوبسن
۱۱۰	۳. نظریه دوتایی‌ها (S. Levin)
۱۱۲	۴. بینامتنی معیارهای سبکی (مایکل ریفاتر)
۱۱۵	۵. ساختار قانون
۱۱۶	۱-۵. میدان‌های سبکی
۱۲۲	۲-۵. سبک شناسی و آمار
۱۲۵	مأموریت‌های سبک شناسی

۱۲۵	۱. سبک‌ها
۱۲۵	۱-۱. مرزهای بیان
۱۲۶	۲-۱. مرزهای ابزارهای بیان
۱۲۶	۳-۱. منابع بیان
۱۲۶	۴-۱. شکل‌های بیان
۱۲۷	۲. نمونه‌های سبک
۱۲۷	۱-۲. ساز و کارهای ابزارهای بیانی
۱۲۸	۲-۲. ساز و کارهای مدل‌های گفتار یا حالات زبان
۱۳۰	۳. سبک‌شناسی کارکردگرا
۱۳۲	۴. سبک‌شناسی ساختارگرا
۱۳۳	۵. نقد سبک
۱۳۵	نمایه

مقدمه مترجمان

سبک شناسی را به عنوان شاخه‌ای از زبانشناسی کاربردی، می‌توان محصول امتزاج زبانشناسی و نقد دانست. در حقیقت وقتی نقد و زبانشناسی هر یک جداگانه نضج گرفتند طی یک پیوند که نتیجه اش محصولی میان رشته‌ای بود، سبک شناسی را به وجود آوردند. نقد ادبی کلاسیک منحصر به بلاغت بود اما از قرن نوزدهم به بعد به تدریج معیارهای نقدی از انحصار بلاغت خارج شده و مؤلفه‌های زیبایی شناسی متن تغییر کرد. از جمله نتایج این تغییر، شکل گیری مکتب فرمالیسم بود. از سوی دیگر، زبانشناسی نیز با نظریه نوین سوسور در اوایل قرن بیستم در ساحتی اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفت.

شارل بالی با ترکیب نقد و زبانشناسی، سبک شناسی را به عنوان یک رشته دانشگاهی متمایز برای تکمیل زبانشناسی سوسوری پیشنهاد داد. برای بالی، زبانشناسی سوسور به خودی خود نمی‌توانست زبان بیان شخصی را به طور کامل توصیف کند.

رومن یاکوبسن نیز قبل از مهاجرت به آمریکا در دهه ۱۹۴۰ یکی از اعضای فعال فرمالیست‌های روسی و مدرسه پراگ بود. او فرمالیسم روسی و نقد جدید آمریکایی را در بیانیه پایانی خود در کنفرانسی درباره سبک شناسی در دانشگاه ایندیانا در سال ۱۹۵۸ گرد هم آورد. سخنرانی یاکوبسون که با عنوان «زبانشناسی و شاعرانگی» در سال ۱۹۶۰ منتشر شد، اغلب به عنوان اولین صورت بندی منسجم سبک شناسی شناخته می‌شود، و استدلال او این بود که مطالعه زبان شاعرانه باید زیرشاخه‌ای از زبانشناسی باشد. کارکرد شعری یکی از شش کارکرد کلی زبان بود که

او در سخنرانی اش توضیح داد. بقیه کارکردها عبارت بودند از کارکرد ترغیبی، کارکرد ارجاعی، کارکرد عاطفی، کارکرد همدلی، و کارکرد فرازبانی.

کارکرد ادبی سبک‌شناسی تنها یکی از کارکردهای آن به شمار می‌آید و نباید سبک‌شناسی را منحصر به متون ادبی دانست. به طور کلی در سبک‌شناسی جدید دو جریان مهم را نام برده‌اند: مکتب فرانسوی که دنباله رو آراء شارل بالی است و به زبان‌شناسی گرایش دارد؛ و مکتب آلمانی که از آراء زیبایی‌شناسی بندتو کروچه الهام می‌گیرد و کارل فوسلر و لئو اشپیتزر از چهره‌های شاخص آن هستند. اینان شعر و زبان را یکی می‌دانند و در بررسی‌های خود تمام عناصر هنری را مطمح نظر قرار می‌دهند. از دیگر مکاتب مهم سبک‌شناسی که گاه از تلفیق دو جریان اصلی مذکور پدید آمده‌اند و گاه به فروع یکی از این دو جریان تکیه می‌کنند می‌توان به این مکاتب اشاره کرد: سبک‌شناسی عام، سبک‌شناسی عاطفی، سبک‌شناسی فرازبانی، سبک‌شناسی شاعرانه، سبک‌شناسی آماری، سبک‌شناسی توصیفی، سبک‌شناسی نقش‌گرا، و سبک‌شناسی ساخت‌گرا.

سبک‌شناسی از پایه‌های روش‌های نقدی دیگر چون نشانه‌شناسی و روایت‌شناسی به شمار می‌رود. همچنین در دهه‌های پایانی قرن بیستم، از دل سبک‌شناسی تحلیل‌گفتمان بیرون آمد. الگوی یاکوبسن به دلیل انتزاعی بودن بیش‌تر برای شروع طبقه‌بندی سبک‌ها مفید بود اما مدل‌های تحلیل‌گفتمان نقش‌گرای مبتنی بر دستور زبان مایکل هیلیدی فاکتورهای دقیق و جزئی را برای سبک‌شناسی ارائه می‌دهد. دستور زبان‌هیلیدی چهارچوب مفیدی را برای بررسی سطح‌گفتمان‌متون گفتاری و نوشتاری فراهم می‌کند زیرا این الگو در پی ربط دادن ساختار به تأثیرات کارکردی یا معنا‌شناسانه متون است. این رویکرد تا وقتی روش توصیفی مورد نظر است کفایت می‌کند اما وقتی از توصیف به ارزشیابی می‌رسیم مشکلات آشکار می‌شوند. در این نقطه است که جدای از زبان‌شناسی، نیاز به علوم دیگر چون علوم سیاسی، علوم

اجتماعی و غیره نیز برای سبک‌شناسی اهمیت می‌یابد. بعد از او در مدل فرکلاف هم تأثیر سبک‌شناسی آشکار است.

اما همین تحلیل گفتمان انتقادی شاخه‌ای جدید از سبک‌شناسی را با نام سبک‌شناسی انتقادی تولید کرده است. سبک‌شناسی انتقادی بر خلاف تحلیل گفتمان انتقادی که بر جامعه متمرکز می‌شود، بر سبک متن متمرکز می‌کند. از دیگر شاخه‌های نوین سبک‌شناسی، سبک‌شناسی رسانه‌ای است. سبک‌شناسی رسانه‌ای رویکردی جدید و در حال ظهور برای تحلیل متون رسانه‌ای (مانند برنامه‌های خبری، مقالات روزنامه) است. هدف آن این است که دو ایده را جدی بگیرد: اول، اینکه متون رسانه‌ای شامل «ساخت داستان با ابزارهای دیگر» است. و دوم اینکه در عصری که با اتصال دیجیتال مشخص شده است، متون رسانه‌ای ذاتاً پدیده‌های تعاملی هستند. برای دستیابی به این دو هدف، سبک‌شناسی، ابزارهای تحلیلی روان‌شناسی گفتمانی را گرد هم آورده است که به خوبی با ویژگی‌های زمینه‌ای تعامل از سویی، و ویژگی‌های دستوری-بلاغی-روایی متون، همخوانی دارند.

نویسنده کتاب حاضر، پی‌یر گیرو، زبانشناس برجسته فرانسوی است و از آن جهت حائز اهمیت است که خواننده را با ریشه‌شناسی سبک‌شناسی آشنا می‌کند. در واقع گیرو در این کتاب بیش از آنکه بخواهد انواع سبک‌شناسی را بیان کند، به پیدایش و ریشه‌های آن می‌پردازد و قصد دارد لایه‌های پنهان آن را آشکار نماید. از این نویسنده تا کنون یک کتاب به نام نشانه‌شناسی به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است. امید است ترجمه پیش رو نیز گامی در جهت شناساندن هرچه بهتر سبک‌شناسی به خوانندگان فارسی زبان باشد.

تهران

زمستان ۱۴۰۱ش

مقدمه مترجم عربی

به سوی نگرشی نو

در

سبک شناسی

۱

زمانی زبان در آثار ادبی به عنوان ابزاری تلقی می شد که نویسنده یا آفریننده اثر با آن ایده و پیام خود را بیان می کرد. به عبارت دیگر، زبان به عنوان پدیده ای ثابت دیده می شد که به خودی خود درباره چیزی صحبت نمی کرد، اما آفریننده اثر به واسطه آن درباره چیزی صحبت می کرد.

اما این دیدگاه نسبت به زبان تغییر کرد، نه با تغییر اندیشه های نویسنده و آفریننده اثر، بلکه به دلیل ذات زبان. چراکه زبان از طریق آمیزش با موجودات، حالت ادراک خود را شکل می دهد، بنابراین به عنوان ابزاری برای آفرینش ایده نویسنده و همچنین به عنوان آفریننده موضوع و پدیدآورنده آن تلقی می شود، و همین امر سبب می شود آنچه را که به چشم خود ندیده ایم در آن ببینیم.

زبان درِیچه نگاه انسان به هستی است و همچنین مسیری که برای شکل دادن و ساختن این هستی پیش روی او قرار دارد. از همین رو، انسان به هنگام تعمق و شناخت اسرار و شکل‌های مواجهه با آن به نوع جدیدی از مطالعه نیاز پیدا کرد. این مسأله برای انسان به وجود آمد و لذا این اندیشه در او ایجاد شد که به جای آنکه خود را آفریننده زبان دیده و آن را چارچوبی برای نگاه به خود بپندارد، خود را مخلوق برای آن و با آن بداند. این بررسی‌ها در مطالعه‌ای که امروزه به عنوان «سبک‌شناسی» شناخته می‌شود به اوج خود رسید.

۲

در حالی که این کتاب را به زبان عربی ترجمه می‌کنیم، دو تصویر از انسان به خودش ارائه می‌دهیم: تصویر اول، که در آن تلاش مداوم او برای تصاحب و تملک زبان، از طریق روش‌های بلاغی که به وجود آورده، و تصوراتی که تعیین و ایجاد کرده، آشکار می‌شود. و دوم، که در آن تلاش مداوم زبان برای تصاحب انسان و تسلط بر او، با تبدیل آن از موجودی دارای شخصیت به موجودی متنی، و انتقال آن از موجودی فیزیکی به موجودی زبانی، آشکار می‌شود.

ما اهمیت سبک‌شناسی را به عنوان یک مطالعه زبان‌شناختی در تبیین و توضیح این موضوع، بلکه در شناساندن آن به عنوان امری بدیهی که شبهه‌پذیر نیست دریافته‌ایم. امروزه سبک‌شناسی عبارت است از: مطالعه زبان، و همچنین مطالعه ابژه‌ای که به واسطه زبان دگرگون شده است. همچنین مطالعه اثر ابداعی، و خلاقیتی است که زبان برای اثر می‌آفریند. از این رو، درمی‌یابیم که علیه نظام‌مندی و محدودیت می‌شورد، چنانکه در قدیم بلاغت اینگونه بود. همچنین پی می‌بریم که سبک‌شناسی، ثبت لحظات گریزان است، و این ثبت از خلال ترکیبی صورت می‌گیرد که نوشتن، آن را برای ابد ثبت کرده، و لحظاتی که امکان احاطه بر آن‌ها از طریق آثاری که تولید شده‌اند و به اتمام رسیده‌اند وجود ندارد. اگر ما به عنوان مترجم به عربی می‌خواهیم این را ارائه دهیم، تأثیر آنچه ترجمه می‌کنیم به کلمات این کتاب، فصل‌های آن

و مسائلی که مطرح می‌کند محدود نمی‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت اهمیت این کتاب در گشودن نگاه زبانشناس عربی، به امکان خلاقانه اثر زبانی از طریق آثار نوشته شده توسط انسان عربی است، اما از سطح نوشتاری که توسط نویسنده ثبت شده فراتر می‌رود تا به آگاهی نسبت به خلاقیت مطلق بدل شود. اگر تنها امتیاز این کتاب در همین باشد، باز هم برای منزلت و ارزش آن کفایت می‌کند.

به علاوه، این کتاب در برابر دیدگان پژوهشگر عربی افق وسیعی می‌گشاید، فضایی که از به واسطه آن می‌تواند نگرش خود را از طریق زبان بازسازی، و خوانش خود را از زبانی که با آن نوشته، بازآفرینی نماید. همچنین به او توانایی ایجاد تغییر می‌دهد، در نتیجه نوشته بعدی او تبدیل به پشتوانه‌ای می‌شود که آینده خلاقیتش را بدان می‌سپارد نه بدان سبب که محصول یک موجود فیزیکی است، بلکه چون محصول زبان است. زبان آن را آفریده و به ثبت رسانیده است.

در پایان باید گفت که این کتاب همه مکاتب سبک‌شناسی که در غرب شکل گرفته را در خود گنجانیده است، و به طور خلاصه، میدان وسیعی را به روی مجامع پژوهشی و دانشگاهی گشوده است. خواننده عربی می‌تواند از این کتاب بهره برده و حتی از آن فراتر رود، مشروط بر اینکه آنچه را که دانشگاه‌های عربی به او آموخته‌اند و چیزهایی که به عنوان ارزش‌های ثابت و لایتغیر در ذهن او فرو کرده‌اند رها کند؛ ارزش‌هایی که نه ارزشمندند و نه با روح زمان، و پیشرفت زندگی، و تلاش‌های علمی و روش‌های نوآورانه همخوانی دارند.

پیشگفتار مترجم عربی

هیچ چیز بهتر از کلمه «سبک» تعریف نشده است! سبک، شیوه نگارش است و، از سوی دیگر، شیوه نگارش هر نویسنده، هر جنس ادبی و هر عصری است. دایره المعارف های معاصر ما این تعریف دوگانه را از گذشتگان به ارث برده اند.

این «شیوه نگارش» در قدیم موضوع مطالعه خاصی بود؛ و بلاغت، اگرچه هنر بیان ادبی و در عین حال یک قاعده بود، در ارزیابی سبک فردی نیز ابزاری انتقادی به شمار می رفت، چنانکه در ارزیابی هنر نویسندگان بزرگ به کار می رفت. بنابراین، باید توجه کنیم که به تدریج و طی قرون وسطی و کلاسیک در شکل کنونی اش به ما رسیده است. در آغاز قرن هجدهم شاهد تولد مفهوم جدیدی از هنر و زبان بودیم که به تدریج به سقوطش انجامید زیرا نتوانست خود را بازآفرینی کند و چیزی جایگزین آن نشد.

می توان گفت سبک شناسی، بلاغت مدرن با شکلی دوگانه است: علم بیان است و نقد روش های فردی. اما این تعریف به کندی ظاهر شد و علم جدید سبک نیز اهداف و روش هایش را به آهستگی شناخت. نووالیس اولین کسی است که از این اصطلاح استفاده می کند؛ سبک شناسی از نگاه او آمیخته با بلاغت است. هلنگ پس از او (۱۸۳۷) آن را علم بلاغی می داند، و اگر به کتب سبک شناسی لاتین نگاهی بیندازیم، درمی یابیم که چیزی جز کتاب های قواعد و شاهد مثال نیستند، و فورستر (۱۸۴۶) نیز آن را همینگونه می داند.

مفهوم سبک‌شناسی از زمانی دقیق شد و گسترش یافت که مطالعات در این زمینه شکل سازمان یافته‌ای به خود گرفت، و پیامدش این بود که برخی از آن‌ها نام «سبک‌شناسی» را بر آن بگذارند. اما محتوای کلمه «سبک» بسیار گسترده است، و وقتی در معرض تحلیل قرار می‌گیرد غباری از مفاهیم مستقل آن را احاطه می‌کند. این مطالعات که مبتنی بر اصول مشترکی، به نام سبک‌شناسی، است، وجه اشتراکشان این است که در زمینه‌های معین و با روش‌های روشن کار می‌کنند.

در نتیجه، امروزه این کلمه، مجموعه‌ای از روش‌های متمایز را در بر می‌گیرد که سبک را جز از طریق نمودهای خاص نمی‌بینند. برخی از آن‌ها فقط به چارچوب می‌پردازند، در حالی که برخی دیگر این اصطلاح را کنار گذاشته‌اند، زیرا تمایل به ترکیب بیش‌تر و بیش‌تر داشتند. این به مفهوم سبک و تحول تاریخی آن مربوط می‌شود.

اگر به دایره المعارف بازگردیم، می‌بینیم که حداقل بیست تعریف برای این واژه پیشنهاد می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها از شیوه بیان اندیشه به شیوه زندگی گذر می‌کند، گذر به شیوه خاص یک نویسنده، یا هنرمند، یا هنر، یا تکنولوژی، یا جنس ادبی یا دوره تاریخی و الی آخر. پس سبک ضمن تبیین مرزهایش با ویژگی خاص یک فعل تعریف می‌شود. می‌توان سبک‌شناسی عمومی را مطالعه‌ای درباره روابط بین شکل و مجموعه علل اخباری تصور کرد. چنین مطالعه‌ای هرگز قابل تصور نبود. اما از دید ما، نظریه‌ای در باب سبک مشترک میان همه هنرها وجود ندارد که بتواند جزء لاینفک زیبایی‌شناسی باشد.

سبک‌شناسی آنگونه که ما متصور می‌شویم، و چنانکه در این کتاب شرح داده‌ایم، مطالعه‌ای برای بیان زبانی باقی می‌ماند. اما واژه سبک، اگر به تعریف اصلی خود بازگردد، به معنای روشی برای بیان اندیشه از طریق زبان است.

این تعریف جهانی بسیار ساده و پذیرفته شده بیش از یک اشکال را مطرح می‌کند. بدون صحبت از «زبان» یا «تفکر» که انسان، تاریخ و زندگی را پوشش می‌دهند، کلمه «راه» به خودی خود مبهم است و زمانی

که بخواهیم دسته‌ها و انواع بیان را تحلیل کنیم، کلمه «بیان» بسیار پیچیده می‌شود. اما آیا باید بخوانیم: یک تفکر را بیان کرد، یا تفکرش را، یا تفکری را؟ سؤالات بسیاری وجود دارد که ما را از بحث بسیار دور می‌کند.

بیان اندیشه به معنای محدود، با استفاده از واژگان و ساختارهای زیربنایی است. اما می‌توان تصور کرد که بیان اندیشه یعنی بازنمایی، توسعه و ارائه آن؛ همانطور که می‌توان گفت اندیشه یعنی همه اثر ادبی، با همه اقتضائاتی که آن را توجیه و آموزنده می‌کند.

به همین دلیل، برخی از سبک‌شناسی‌ها موضع دقیقی در سطح زبانی بیان دارند، در حالی که برخی دیگر به سمت ایجاد علم ادبیات گرایش دارند.

اگر روی کلمه «تفکر» توقف کنیم، خواهیم دید که ابهام آن کم نیست. برخی از سبک‌شناسان آن را تفکر به طور کلی می‌بینند و وقتی این کلمه در این دسته بندی‌ها قرار می‌گیرد، سبک‌شناس، بیان را اینگونه تعریف می‌کند: واقع بینانه، انتزاعی، احساس، اراده، تمسخر و غیره. برخی دیگر آن را منوط به مطالعه محدوده اندیشه و زمینه‌ای می‌دانند که اثر در آن پدید آمده: به عنوان مثال مطالعه تفکر مالارمه در «L'après-midi d'un Faune»، و دسته دیگر، از جمله زبان‌شناسان، از شکل به سمت محتوا می‌روند تا داده‌های آن را به عنوان یکی از آثار معنا بررسی کنند، در حالی که فیلسوفان مطالعه زبان را از اندیشه آغاز می‌کنند.

گاه به سبک به عنوان چهره‌ای برای زیبایی‌شناسی بیان ادبی، یعنی جدا از زبان عامیانه، آن زبان ساده‌ای که از ابزاری برای ارتباط فراتر نمی‌رود، دیده می‌شد، در حالی که عده دیگری آن را آفریننده معنا می‌دانستند.

برخی از آنان معتقدند که سبک در انتخاب آگاهانه ابزار بیان نهفته است و برخی دیگر به دنبال شناسایی نیروهای مرموز تشکیل دهنده زبان در ناخودآگاه انسان هستند.

این مسأله درباره روش‌های مختلف صادق است، زیرا آن‌ها از انتزاعی‌ترین مسائل ریاضی تا قضاوت‌های صرفاً شخصی و زیبایی‌شناختی را شامل می‌شوند.

این دیدگاه‌های متعدد با هم ترکیب می‌شوند، همدیگر را قطع می‌کنند و از هم دور می‌شوند اما در نهایت تمام حوزه بیان را پذیرفته‌اند و دیگر هر پدیده زبانی یا ادبی می‌تواند بر اساس برخی از این تعاریف، ادعا کند که خودش حقیقت سبک است. داستان به جایی رسیده که می‌توان گفت: «موضوع آن گیج‌کننده است و اگر دقیق‌تر به واقعیت‌ها نگاه کنیم، چیزی باقی نمی‌ماند». هیچ چیز بهتر از فهرست منابعی که به این موضوع اشاره دارند، این دیدگاه را تأیید نمی‌کند.

کتابی هست که ما آن را به خواننده توصیه نمی‌کنیم؛ کتاب "A critical Bibliography of The New Stylistics applied to The Romance Literatures 1900-1952". نویسنده آن M. Hatzfeld بیش از دو هزار کتاب را که بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۲ منتشر شده‌اند طبقه‌بندی و تحلیل کرده، کتاب به یازده فصل و نود و دو بخش تقسیم شده، که تحت عنوان‌های بسیار متفاوت و متنوعی گردآوری شده‌اند. ما در اینجا نمی‌توانیم همه جوانب این موضوع پیچیده را ارائه دهیم، اما می‌توانیم خطوط کلی آن را آشکار کنیم.

قبل از هر چیز لازم است مفهوم سبک را در چشم انداز تاریخی آن بررسی کنیم تا ببینیم چگونه آرام آرام از میراثی که هنوز در آن زندانی است تولید می‌شود.

ما بعداً وضعیت کنونی مسائل علم سبک را که نیم قرن است در جستجوی خود و تعریفش تحت عنوان سبک‌شناسی بوده، بررسی خواهیم کرد.

انتشار مجدد این کتاب تحت شرایط جدیدی رخ داد که مهم‌ترین آن زمینه‌سازی برای تحولات اخیر این علم بود. به همین دلیل، در اینجا از پرداختن به موضوعات ترکیب ادبی صرف‌نظر کرده‌ایم، زیرا از بیان مستقیم زبانی خارج هستند. مضامین، هنرهای روایت، ریخت‌شناسی داستان یا کارکردهای شعر که اخیراً جایگاه مهمی در نقد ادبی پیدا

کرده‌اند- با وجود اینکه مشکلات سبکی خاص خود را داشتند- به جای سبک شناسی، به نشانه شناسی وابسته شدند؛ و این موضوع عنوان فصلی از کتابی است که در آینده در مورد نشانه شناسی منتشر خواهد شد.

بخش مربوط به گویش شناسی یا بررسی ویژگی‌های تمایز یک زبان در رابطه با سایر گویش‌های فرعی را از این کتاب حذف کرده‌ایم. در مورد بقیه، ادبیاتی که به زبان فرانسه، زبان فرانسوی قدیم، فرانسوی رایج، محاوره‌ای، لهجه‌های پانوا، لهجه‌های عامیانه فرانسوی و غیره اختصاص داده‌ایم، بخش وسیعی از دیدگاه‌ها درباره ویژگی‌های خاص این حالات زبان را در بر می‌گیرد.

روش ما مطالعه متغیرهای زبانی در برابر استاندارد پایه است، و این مطابق با سنت قدیمی است که بلاغت را در برابر قوانین قرار می‌دهد. قواعد در این منظر، مجموعه قوانین است؛ یعنی مجموعه تعهدات تحمیل شده توسط سیستم و استاندارد برای کاربر زبان. سبک شناسی کیفیت آزادی‌ها را در این سیستم تعیین می‌کند.

گرامر علمی است که نویسنده نمی‌تواند بسازد. اما سبک شناسی چیزی است که او می‌تواند انجام دهد. اما کاری که او می‌تواند انجام دهد را با کاری که انجام می‌دهد اشتباه نخواهیم گرفت، چراکه این موضوع به نقد سبک در سطح متن ارتباط دارد.

